

# نقش بیمه در توسعه اقتصادی

دکتر مرتضی محمدخان

وزیر امور اقتصادی و دارایی

در آغاز سخن، امیدوارم تحولی که در خانواده بیمه کشور پیدا شده، سبب بهینه کردن همه امکانات موجود در کشور و کارایی بیشتر بیمه شود. شاید از ویژگیهای بسیار بارزی که خانواده بیمه با نامها و شرکتهای مختلف ولی با هدفی واحد و با یک انسجام فکری و عملی و با رقابتی بسیار سالم از خود نشان می دهند این باشد که سعی دارند در حیطه کاری خود بتوانند زمینه یک الگو برای رقابت سالم را در کشور ترسیم کنند. خوبی این سمینارها هنگامی است که نکات مثبت و منفی، محدودیتها و امتیازاتی که در کار وجود دارد، به نقد و بررسی و بازنگری گذاشته شود و حتماً ایرادها و حرفهایی که زده خواهد شد راهگشای آینده ما خواهد بود تا بتوانیم خدمات بهتری به کشور مقدس جمهوری اسلامی ارائه دهیم.

## ۱. نقش بیمه در توسعه اقتصادی

در حال حاضر صنعت بیمه یکی از ابتکاری ترین جزو در اقتصاد است. جامعه جهانی در قرن حاضر جامعه تشکیلاتی است و مؤسسه های بیمه در این راستا نقش بسیار مهمی در فعالیتهای اقتصادی جامعه دارند. در واقع هدف اصلی صنعت بیمه همان اصل تعاون و همیاری است برای جبران خسارتهای طبیعی یا خسارتهایی که ناشی از قصور و اهمال انسانهاست. تنها با صنعتی شدن جوامع و گسترش روابط بازرگانی درجه اهمیت آن چنان بارز گشته که شاید بتوان ادعا کرد در دنیای امروز اهمیت بیمه به حدی است که کمتر فعالیت اقتصادی و اجتماعی را می توان یافت که بدون این عامل به عرصه وجود آمده یا برجا مانده باشد. این وظیفه صنعت بیمه است که توان و قدرت خود را به عنوان مؤسسه مالی در تقویت بنیه اقتصادی جامعه نشان دهد و ثابت کند که بازتاب موفقیت و قدرت مالی آن در پیشرفتهای اقتصادی نمایان می شود. بانکها در این زمینه تا حدودی موفق بوده و توانسته اند جایگاه خود را در اقتصاد ملی معرفی کنند ولی

صنعت بیمه هنوز نتوانسته آن‌طور که باید در این امر موفق باشد و به تلاش بیشتری نیاز است تا به این هدف نایل آید.

اصولاً بررسی شاخصهای ارزیابی فعالیت صنعت بیمه در ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان حکایت از پایین بودن سطح رشد بیمه در کشور ما دارد. برای مثال چنانچه شاخص نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی که یکی از کاراترین شاخصهای ارزیابی فعالیت بیمه است را طی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۱ مورد توجه قرار دهیم ملاحظه می‌شود که این نسبت از رقم ۰/۳۸ درصد در سال ۱۳۶۲ به رقم ۰/۳۵ درصد در سال ۷۱ کاهش یافته است که شصتیمین رتبه جهانی را داراست (نگاه کنید به جدول ضمیمه). این در حالی است که نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی در این سال برای کره جنوبی معادل ۱۱/۶ درصد است. همچنین شاخص حق بیمه سرانه در سال ۱۹۹۰ در کشور ما معادل ۲۹ دلار بوده که در مقایسه با کره جنوبی ۶۴۰ دلار و تایوان ۳۳۸ دلار در سطح بسیار نازلی قرار دارد که حاکی از وجود ظرفیت خالی در کشور به منظور فعال تر کردن این نهاد مالی است که امید می‌رود با تدبیر تصمیم‌گیران این بخش و همت نیروی متخصص به این مهم نایل آییم. تنوع فعالیتهای بیمه‌ای در زمینه‌های مختلف یکی از شیوه‌هایی است که می‌تواند در رشد صنعت بیمه مورد ملاحظه و بررسی قرار گیرد.

## ۲. بررسی علت‌های عدم رشد مطلوب صنعت بیمه در ایران

به سبب توان بالقوه‌ای که صنعت بیمه در فراهم کردن زمینه مناسب برای سرمایه‌گذارهای کلان دارد و اجرای طرحهای عظیم را در بخشهای مختلف اقتصادی تسهیل می‌کند، به اعتبار چنین نقش سازنده، توسعه و تعمیم این صنعت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اصولاً یکی از علل عمده عدم رشد مطلوب این صنعت در کشور ما انحصار بیمه‌های دولتی بوده است. اگر این بازار انحصاری می‌شکست دولت متوجه می‌شد که برای بیمه کالاهای خود حق بیمه بسیار بالاتر از معمول را می‌پردازد. درحالی که امکان ورود سایر شرکتها موجب می‌شد با حق بیمه‌ای به مراتب کمتر پرتولیوی دولت را بیمه کند و این موضوع باعث تنزل فاحش در نرخها و کاهش چشمگیری در حجم بیمه‌ها می‌شد. اصولاً نرخهای بالای بیمه آثار منفی بر سلامت بازار بیمه و روابط مؤسسه‌های بیمه با یکدیگر داشته ضمن آنکه آثار سویی در تنزل سطح تخصص در صنعت بیمه را به همراه داشته است.

اصولاً رشد بیمه در هر کشور تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار دارد که برخی تحت کنترل صنعت بیمه آن کشور بوده برخی دیگر خارج از حیطه اقتدار و کنترل آن قرار دارند.

الف) عوامل بیرونی: صنعت بیمه به‌عنوان یک نهاد اقتصادی اجتماعی تحت تأثیر شرایط

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در هر کشور قرار دارد. از جمله مهم‌ترین عوامل بیرونی تأثیرگذار بر رشد صنعت بیمه در هر جامعه‌ای وضعیت اقتصادی آن جامعه است. نظام اقتصادی، سطح تولید، حجم سرمایه‌گذاریها، حجم صادرات و واردات و میزان تورم از جمله عواملی است که تأثیر تعیین‌کننده بر روند رشد صنعت بیمه در هر کشور دارد.

ب ( عوامل درونی: در عین حال عوامل درونی که به ساختار و کارکرد درونی صنعت بیمه مربوط می‌شود و عمدتاً در دست مسوولان صنعت بیمه قرار دارند نیز در رشد این صنعت مؤثر است. ساختار صنعت بیمه، تعداد شرکتهای بیمه و نوع مالکیت آنها، شیوه مدیریت، تکنولوژی، کیفیت خدمات ارائه شده، زمان ارائه خدمات، چگونگی سیستمهای نظارتی و ابزار اعمال این نظارت، آموزش کارکنان و غیره از جمله عوامل درونی هستند که استفاده بهینه از آنها موجب رشد صنعت بیمه کشور می‌شود و باید در سیاست‌گذاریها بدان توجه داشت.

### ۳. مدیریت و بیمه

یکی از اصول موفقیت مؤسسه‌های بیمه ثبات و تداوم فعالیت آنهاست و برای حفظ دوام و ثبات، داشتن قسمت بیمه‌های اتکایی با پرسنل و مدیریت با تجربه، دانش آموخته و کارآزموده ضروری است. در سال ۱۹۸۷ حجم تقاضای جهانی برای بیمه اتکایی بالغ بر ۹۱/۹ میلیارد دلار بوده که ۸۷/۶ میلیارد آن یعنی حدود ۹۵ درصد آن متعلق به کشورهای عضو سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (OECD) بوده است که لزوم توجه بیشتر به بیمه‌های اتکایی در کشورهای درحال توسعه را مطرح می‌سازد. مدیریت اتکایی شرکت بیمه باید با توجه به شناخت از طبیعت پرتفولیوی شرکت طرحهای لازم را تهیه کند و متناسب با آن، میزان پوششهای اتکایی را تعیین نماید. کارکنان قسمت مدیریت اتکایی باید از عالی‌ترین سطوح پرسنلی انتخاب شوند زیرا این قسمت برای مؤسسه‌های بیمه از حیاتی‌ترین و حساس‌ترین قسمتها محسوب می‌شود. در واقع با وجود بیمه‌گران اتکایی است که صنعت بیمه در هر کشور می‌تواند ثبات بازار را حفظ و اعتماد عمومی جامعه را به طرف خود جلب کند. البته مسأله جدیدی که در سالهای اخیر برای صنعت بیمه در بازارهای اتکایی پیدا شده افزایش بی‌رویه و غیرمنطقی ظرفیت اتکایی بازارهای جهانی است. تعداد شرکتهای بیمه اتکایی به‌طور چشمگیری افزایش یافته و میزان بازدهی و سود سرمایه‌گذاران شرکتهای اتکایی کاهش داشته و این کاهش در مورد شرکتهای مستقیم بیمه‌ای نیز به چشم می‌خورد. لذا توجه به مسائل فنی و سرمایه‌گذاری دو عنصر بسیار مهم در فعالیتهای بیمه‌ای است که غفلت از آنها موجب افزایش هزینه‌های بیمه‌گر خواهد شد.

#### ۴. آثار تعدیل نرخ حق بیمه بر تقاضای بیمه

آمار مربوط به کشورهای شیلی، آلمان، ژاپن و سوئیس به روشنی نشان می‌دهد که افزایش حجم حق بیمه نسبت به میزان تقاضا در صنعت بیمه به‌طور مستقیم واکنش نشان می‌دهد. براساس آمار بخشهای مختلف، کشش قیمتی تقاضا در محدوده‌ای بین  $0/3$  تا  $1/2$  قرار می‌گیرد. بدین معنا که با فرض ثابت ماندن درآمدها، اگر نرخ حق بیمه ۱۰ درصد افزایش یابد میزان تقاضا بین ۳ تا ۱۲ درصد کاهش خواهد یافت. بنابراین به‌نظر می‌رسد تعدیل نرخها در صنعت بیمه، آثار زیادی بر میزان تقاضا داشته باشد. برای مثال در کشور ژاپن در مورد بیمه آتش‌سوزی، متوسط نرخ حق بیمه ظرف ۲۰ سال گذشته سریعاً کاهش یافته درحالی که تقاضا برای بیمه به‌طور مشخص افزایش داشته است. در این کشور با ۱۰ درصد افزایش تولید ناخالص داخلی، تقاضا برای بیمه ۱۷ درصد افزایش خواهد یافت. با وجود آنکه تقاضای بیمه واکنش قوی تری نسبت به تغییرات درآمدی نشان می‌دهد، آثار بلندمدت تعدیل نرخها نیز مهم است. بنابراین به‌نظر می‌رسد که کاهش نرخها تأثیرات مثبتی بر تقاضای بیمه و برگسترش فعالیتهای بیمه‌ای داشته باشد.

#### ۵. بیمه‌های صادراتی

بیمه علاوه بر ایجاد تأمین در صادرات کالا و خدمات، خود نیز به عنوان یک منبع بزرگ درآمد صادراتی محسوب می‌شود. به‌طوری‌که امروزه این نوع بیمه دومین درآمد ارزی را برای کشور انگلستان تشکیل می‌دهد. با توجه به اهمیت و نقش صادرات در اقتصاد کشور ما و لزوم ایجاد موازنه پرداختها، یکی از ابزارهای مورد استفاده که می‌تواند پاسخگویی این نیازها باشد صنعت بیمه و خدمات ارائه شده پوششهای بیمه‌ای است. چنانچه برنامه‌ریزی مقابله با ریسک صادرات قبل از اجرای پروژه صادراتی انجام شود می‌توان به‌گونه‌ای چشمگیر با ریسکهای صادراتی مقابله کرد به‌طوری‌که در صورت تحقق خطر، زیان در حداقل باشد. مهم‌ترین عامل در مقابله با ریسک صادرات، شناخت کاربردی و واقعی از خطرهای زیرمجموعه ریسکهای صادراتی است، هر قدر تسلط و دانش ما در شناخت این‌گونه مسائل بیشتر باشد می‌توانیم با کمک مدیران ریسک، برنامه‌ریزی مطمئنی برای مقابله با ریسک صادرات تدوین کنیم. لذا تنوع بیمه‌های صادراتی در مراحل قبل و پس از صدور از اهمیت خاصی برخوردار است.

#### ۶. بیمه عمر

نکته قابل ذکر آنکه، شرکت‌های بیمه معمولاً با به‌کارگیری ذخایر حق بیمه در سرمایه‌گذاریهای مختلف، منافع سرشاری را ایجاد و بیمه‌گذاران خود را در آن سهم می‌کنند. این امر باعث

می‌شود که فشارهای تورمی خنثی شود و اغلب بیمه‌های عمر را برای بیمه‌شدگان مقرون به‌صرفه سازد. اما در کشور ما ضعف ناشی از عدم سرمایه‌گذاریهای مناسب شرکتهای بیمه از یک سو و عدم پرداخت حداقل سود تضمین شده از طرف بانکها به وجوه شرکتهای بیمه از سوی دیگر موجب شده است که این رشته بیمه به تدریج جذابیت خود را از دست بدهد و بازار آن رونق چندانی پیدا نکند. بررسی منحنی خسارت بیمه عمر در طول سالهای ۶۷-۶۹ با منحنی حق بیمه منطبق است. انطباق منحنیهای حق بیمه و خسارت در این سالها به مفهوم آن است که گرچه بیمه عمر طی سالهای اخیر رشد چشمگیری داشته است لیکن در مجموع با احتساب هزینه‌های اداری و کارمزد، صنعت بیمه در این رشته زیان داده است. این زیان عمدتاً ناشی از پایین بودن نرخ بیمه عمر کارکنان دولت و گروههای مشابه دیگر است. بررسی آمارهای تفکیکی نشان می‌دهد که بیمه‌های عمر انفرادی در مقایسه با بیمه‌های عمر گروهی، رشد ناچیزی داشته است که مهم‌ترین علت آن را می‌توان بی تناسبی پوششهای عرضه شده از طرف شرکتهای بیمه در مقایسه با تورم جاری دانست.

## ۷. خصوصی سازی

بحث دیگری که در اینجا می‌توان بدان اشاره کرد، گسترش شرکتهای نمایندگی و هموارتر ساختن فعالیت بخش خصوصی در صنعت بیمه است. البته پیرامون گسترش فعالیت بخش خصوصی در این نهاد مالی بحثهای متعددی صورت گرفته به‌ویژه آنکه بازار بیمه کشور در همسویی الزامی با سیاستهای تعدیل اقتصادی به سمت خصوصی سازی و آزادسازی گام نخواهد داشت. البته آنچه در این رابطه باید مورد تأکید قرار گیرد نقش نظارت و کنترل دولت بر شیوه عمل این بخش است. در این راستا برخورداری از قانونمندیهای مستحکم و مدلل به تنهایی کافی نیست و دولت باید با در اختیار داشتن ابزارهای قانونی لازم، هدایت صنعت بیمه را کاملاً در اختیار گیرد تا بتواند فعالیت آن را در بازار رقابتی سالم در جهت توسعه و گسترش بهینه هدایت کند. تجربه نشان داده که تحولات بیمه‌ای زمانی به سرعت قابل اعمال بوده و به نتیجه مطلوب دست می‌یابد که صنعت بیمه را یک ارگان یا نهاد نظارتی تحت کنترل خود قرار گیرد. به‌حمد... در ایران قوانین و مقررات دقیقی در این مورد وجود دارد که با پیروی از این قانونمندیها می‌توان از کجرویهای احتمالی جلوگیری کرد. زیرا همواره و در هر جایگاه و زمینه‌ای باید در نظر داشت که صرف برخورداری از قوانین کامل و جامع مؤید بهره‌مندی از فعالیت سالم و کارآمد نیست و در این مقام امر نظارت از درجه اهمیت بالایی برخوردار است.

## ۸. بازاریابی بیمه

از آنجا که یک شرکت بیمه ممکن است در بازارهای مختلف بیمه‌ای فعالیت کند و تعهداتی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در بازار بیمه ملی کشورهای مختلف داشته باشد، ضروری است که از نحوه فعالیت، روشهای صدور، قانون و مقررات حاکم بر بیمه ملی کشورهای مختلف اطلاعات کافی داشته باشد. دسترسی به این اطلاعات از طریق سازمان نظارتی و کنترل بازار بیمه موردنظر امکانپذیر است و قبل از گسترش فعالیت در این بازارها شرکتهای بیمه باید خود را مجهز به اطلاعات لازم کرده و هماهنگ با شرایط موجود فعالیت نمایند. دسترسی به اطلاعاتی نظیر اوضاع جغرافیایی، میزان جمعیت و ساختار اقتصادی چندان دشوار نیست ولی این عوامل تأثیر مستقیم بر بازاریابی بیمه دارد. تصمیم‌گیری در جهت ایجاد تشکیلات فروش به‌ویژه در سطح بین‌المللی و گسترش شبکه‌های توزیع ضمن آنکه می‌تواند جنبه درآمدزایی داشته باشد در شناسایی بیمه‌کشور در سطح جهانی آثار مثبتی به‌همراه خواهد داشت. البته سرمایه‌گذاری در بازارهای مختلف به میزان بازدهی فعالیت در این بازارها بستگی دارد بنابراین باید تمام عوامل مؤثر بازاریابی مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد و سپس اقدام به بازاریابی شود.

در واقع بهترین و مناسب‌ترین شیوه برای به‌کارگیری سرمایه در صنعت بیمه، سرمایه‌گذاری به‌طریق صحیح و درست است. سرمایه‌گذاری در زمینه‌هایی که دارای پایین‌ترین بازدهی سرمایه‌گذاری برای شرکت هستند باید در پایین‌ترین سطح نگه‌داری شود.

ضمیمه ۱. نسبت حق بیمه به تولید ناخالص داخلی و حق بیمه به جمعیت در سال ۱۹۹۱

نام کشور	حق بیمه به تولید ناخالص داخلی (درصد)	رتبه جهانی	حق بیمه به جمعیت کشور (دلار)	رتبه جهانی
ایران	۰/۳	۶۰	۴۲/۲	۳۹
آفریقای جنوبی	۱۱/۳	۲	۳۳۸/۳	۲۶
ژاپن	۸/۵	۶	۲۴۸۴	۲
سوئیس	۸/۳	۷	۳۰۰۱/۷	۱
کره جنوبی	۱۱/۶	۱	۷۳۲/۷	۱۹
نیجریه	۰/۸	۵۷	۲	۶۰

مأخذ: فصلنامه صنعت بیمه، "بازار جهانی بیمه در سال ۱۹۹۱"، ترجمه نصر... طهماسبی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۷۳، صص. ۳۲ - ۳۵.